

امام حسین و قیامش در آینه اندیشه ها

<?xml encoding="UTF-8">

اشاره شخصیت، سیره و نهضت زندگی آفرین سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) همواره از سوی اندیشمندان مورد دقت و بررسی و نقادی قرار گرفته است. هزاران مقاله و صدها کتاب از طرف صاحبان اندیشه و قلم و بیان از همه ملل و نحل به رشته تحریر درآمده است.

جاذبه شخصیت سیمای درخشان حسین بن علی (ع) نظر بسیاری از اهل اندیشه را به خود معطوف کرده است. در میان متفکران، کسانی به بلندای شخصیت آن امام همام اشاره کرده اند که حتی کمترین سنخیت با حضرت ندارند و برخی از آنان حتی از مخالفان او به حساب می آیند، اما در عین حال او را ستوده اند. در این نوشتار مختصر، سخنان تعدادی از بزرگان و متفکران جهان را در این باره می خوانید.

ابن ابی الحدید این دانشمند نامدار اهل سنت، می نویسد:

سالار پرشکوه شکست ناپذیران روزگار و قهرمان کسانی که در برابر ذلت و تحقیر سر فرود نیاورده، و به عصرها و نسل ها درس جوانمردی و شرافت و مرگ پر افتخار را زیر سایه شمشیرهای آخته داد، و آن را بر سازش با بیداد و فریب برگزید، پدر یکتاپرستان گیتی، حسین (ع)، فرزند رشید علی (ع) است. استبدادگران اموی به آن شخصیت تسخیرناپذیر و یارانش امان دادند، اما او بدان دلیل که نمی خواست در برابر ذلت و بیداد سر خم کند، و نیز بیم آن داشت که اگر با پذیرش امان نامه کشته هم نشود، ذلت بر او و دیگر آزادمنشان رهرو راهش از سوی عبید و دیگر خودکامگان سیاه کار و حقیر تحمیل گردد، مرگ پر عزت و افتخار را بر زندگی ذلیلانه برگزید. (1)

علامه محمد اقبال لاهوری علامه اقبال، اندیشمند، عارف و شاعر پرآوازه پاکستانی، و از مفاخر و اندیشمندان اهل سنت در قرون معاصر است.

از میان رهبران اهل سنت، این مصلح بزرگ اسلامی، بیش از دیگران به اهمیت زنده نگه داشتن محرم و عزاداری امام حسین اهتمام ورزید و این موضوع را با قلم و شعر مورد تأکید قرار داد. او در جای جای دیوان شعر خود از امام حسین (ع) و عشق او به حقیقت و لزوم پیروی از آن حضرت و آموزش آزادی و آزادی از قیام وی یاد می کند و سرانجام خود تصریح می کند نه تنها آزادی بلکه:

رمز قرآن از حسین آموختیمز آتش او شعله ها افروختیم

تار ما از زخمه اش لرزان هنوز تازه از تکبیر او ایمان هنوز

ای صبا! ای پیک دور افتادگان! اشک ما بر خاک پاک او رسان (2)

علامه اقبال لاهوری، درباره قیام امام حسین (ع) معتقد است که اگر قصد آن حضرت رسیدن به حکومت بود، عشق را رها می کرد و این چنین عاشقانه برنمی خاست، بلکه سپاهی فراهم می آورد. قیام او، تنها برای اصلاح امت و احیای دین و محو فاسدان بود که اثرش تا به حال باقی است و تازگی ایمان ما نشأت گرفته از قیام آن حضرت است:

مدعایش سلطنت بودی اگر خود نکردی با چنین سامان سفر

تیغ، بهر عزّت دین است و بسمقصد او حفظ آیین است و بس
 ماسوی الله را مسلمان بنده نیستیش فرعونی سرش افکنده نیست
 خون او تفسیر این اسرار کردمّت خوابیده را بیدار کرد
 تیغ لا چون از میان بیرون کشیداز رگ ارباب باطل خون کشید
 نقشی الاّ الله بر صحرا نوشتسطر عنوان نجات ما نوشت (3)
 از دیدگاه اقبال، امام حسین (ع) حماسه ستیز عشق با عقل و هوس است:
 آن شنیدستی که هنگام نبردعشق با عقل هوس پرور چه کرد
 آن امام عاشقان، پور بتول سرو آزادی ز بُستان رسول
 الله الله بای بسم الله، پدرمعنی ذبح عظیم، آمد پسر
 چون خلافت رشته از قرآن گسیختحریت را زهر اندر کام ریخت
 خون آن سر، جلوه خیر الاممچون سحاب قبله باران در قدم
 بر زمین کربلا بارید و رفتلاله در ویرانه ها کارید و رفت
 تا قیامت قطع استبداد کردموج خون او چمن ایجاد کرد
 بهر حق در خاک و خون گردیده استپس بنای لا إلهَ گردیده است (4)

امام شافعی پیشوای یکی از مذاهب اربعه اهل سنت که علاقه و ارادت بسیاری به اهل بیت (ع) دارد، درباره
 واقعه عاشورا، اشعار زیبایی سروده است که ترجمه برخی از ابیات آن چنین است:
 این حادثه از حوادثی است که خواب مرا ربوده و موی مرا سپید کرده است. دل و دیده مرا به خود مشغول
 ساخته و مرا اندوهگین کرده است و اشک چشم، جاری و خواب از آن پریده است.
 دنیا از این حادثه خاندان پیامبر (ص) متزلزل شده و قله کوه ها نزدیک به آب شدن گردید.
 آیا کسی هست که از من به حسین پیامی برساند، اگر چه دلها آن را ناخوش دارند؟!
 حسین کشته ای است بدون جرم و گناه که پیراهن او به خونش رنگین شده، عجب از ما مردم آن است که از
 طرف، به آل پیامبر (ص) درود می فرستیم و از سوی دیگر، فرزندان او را به قتل می رسانیم و اذیت می کنیم!
 اگر گناه، دوستی اهل بیت پیامبر است، از این گناه هرگز توبه نخواهم کرد.
 اهل بیت پیامبر روز محشر، شفیعان من هستند و اگر نسبت به آنان بغضی داشته باشم، گناه نابخشودنی کرده
 ام. (5)

امام شافعی، شهادت اباعبدالله (ع) را نه حادثه ای معمولی، بلکه فاجعه ای بزرگ شمرده است، فاجعه ای که
 دنیا را لرزاند و قله کوه ها نزدیک به آب شدن کرد.
 این لرزش دنیا و ریزش کوه را - که امام شافعی می گوید - آن گاه احساس می کنیم که به منابع تاریخی بنگریم.
 در این منابع آمده است که روز عاشورا قاتلان آن حضرت نیز قادر نبودند عواطف خود را پنهان کنند و بر مظلومیت
 امام حسین (ع) در هنگامه حوادث اشک نریزند. در روایت است که حضرت زینب (س) هنگام شهادت برادر رو به
 عمر سعد کرده و فرمود: ای پسر سعد! اباعبدالله را می کشند و تو می نگری؟! (6)
 ناگاه عمر سعد چهره برمی گرداند؛ در حالی که اشک نحسش بر صورتش جاری است.
 چون که او دنباله زاغان پَرَدزاغ او را سوی گورستان بَرَد

در منابع اهل سنت، این سخن پیامبر اکرم (ص) درباره امام حسین (ع) به صراحت نقل شده است که فرمود: فرزند ریحانه است، و حسن و حسین دو ریحانه من در دنیايند، (7) پروردگارا! من آنها را دوست دارم، تو نیز آنها دوست بدار و هرکس را که آنها را دوست بدارد. (8)

در روایتی دیگر، آن حضرت استمرار رسالت و نبوتش را در وجود با عظمت امام حسین (ع) دانسته و می فرماید: حَسْبُنَا مَنِي وَاَنَا مِنَ حَسْبِي، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حَسِينًا (9) حسین از من است و من از حسینم. خداوند دوست دارد کسی را که او را دوست بدارد.

طبری در تاریخ خود می گوید که چون خبر شهادت سیدالشهداء (ع) به عبدالله بن زبیر رسید، گفت: او مرگ با عزّت را بر زندگی ذلّت بار برگزید. خداوند، حسین را رحمت کند و قاتلش را خوار بدارد. نفرین خدا بر کسی که فرمان داد او را بکشند و بدین کار رضایت داد. (10)

شیخ محمد عبده (مصلح مشهور مصري) می گوید: هنگامی که در دنیا حکومت عادلّی است که هدفش اقامه شرع و حدود الهی است و در برابر آن، حکومت جائر و ستمگری است که استقرار عدل را بر نمی تابد، بر هر مسلمانی است که حکومت عدل را یاری کند و از همین باب است قیام امام حسین (ع) که در برابر حکومت یزید که خداوند او را خوار کند. (11)

ملاّعلی قاری حنفی در شرح فقه اکبر امام ابوحنیفه می نویسد:

این که بعضی مردم نادان و جاهل سخنان نادرستی بر زبان می آورند که امام حسین (ع) یاغی بوده است، نزد اهل سنّت و جماعت گفتاری باطل است و احتمال قوی دارد که از گزافه گویی ها و یاوه سرایی های فرقه خوارج باشد و این گروه در واقع، از حق روی برتافته و از راه راست بیرون آمده اند. (12)

شیخ عبدالحمید گُشک (روحانی مبارز مصري) می گوید: در تاریخ، روزهای گرانقدری است که انسان احساس غرور و سربلندی می کند. در تاریخ اسلام نیز نام برخی روزها با حروف نورانی بر لوح های طلایی نگاشته شده است و روز قیام امام حسین (عاشورا) یکی از این روزها است. عاشورا روز نجات و جهاد است؛ زیرا خداوند حضرت موسی (ع) را همین روز از دست فرعونیان نجات داد. حضرت موسی (ع) به شکرانه رهایی، این روز را روزه گرفت و پس از او بنی اسرائیل نیز چنین کردند. حضرت محمد (ص) به بنی اسرائیل فرمود: من از موسی به شما نزدیکترم. و او نیز این روز را روزه گرفت. این است مفهوم روز نجات. اما روز جهاد کدام است؟ این روز پنجاه سال پس از رحلت پیامبر اسلام (ص) است و پنجاه سال پس از این که محمد مصطفی (ص) به دیار باقی پیوست. روز عاشورا، جهاد حق به وقوع پیوست.

مردم! تاریخ را بخوانید و درباره ایّام الله تأمل کنید. به درستی که روز عاشورا یکی از ایّام الله است. روزی است که ارواح فرزندان رسول خدا (ص) در کربلا به ملا اعلا عروج کردند... (13)

جرج جرداق (دانشمند و ادیب مسیحی) می گوید: آن غیرتمندی که تا این پایه به ناموس مردمان اهتمام می ورزید و در حمایت از همسر و خانواده و دیگران لحظه ای از مجاهدت باز نمی ایستاد، چون در میدان رزم (طفّ) یکه و تنها ماند و از زخم شمشیر و نیزه و زوبین بر زمین نشست و اوباش کوفه و سربازان مزدور دستگاه حاکم را دید که از هر سو به سرپناه (خیمه) زن و فرزندانش حمله ور هستند، دست پولادین خونین برآورد و ندا زد که:

هان ای نامردان! اگر دین ندارید، آزادی را در زندگی فرو مگذارید. (14)

همچنین وی می گوید: وقتی یزید مردم را تشویق به قتل حسین (ع) و مأمور به خونریزی می کرد، آنها می گفتند: چه مبلغ می دهی؟! اما یاران حسین (ع) به او می گفتند: ما با تو هستیم؛ اگر هفتاد بار کشته شویم، باز می خواهیم در رکابت جنگ کنیم و کشته شویم.

سلیمان کتانی: از دیدگاه این نویسنده، هنوز هم صدای خونخواهی حسین پس از قرن ها به گوش می رسد: ای معاویه... پسر یزید با حسین بنای خشونت و بی رحمی را گذاشت، سرش را برید و به عنوان هدیه شیرینی به خواهرش زینب داد تا به کربلا بیاید و فریاد شیون از نای شیعه و طرفدارانش برآید که هنوز هم به خونخواهی حسین بلند است. (15)

فردریک جمس: درس امام حسین (ع) و هر قهرمان شهید دیگری این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییر ناپذیرند و هم چنین می رساند که هرگاه کسی برای این صفات، مقاومت کند و بشر در راه آن پافشاری نماید، آن اصول همیشه در دنیا باقی و پایدار خواهد ماند. (16)

آنتوان بارا (مسیحی، نویسنده کتاب: حسین در اندیشه مسیحیت): (17) من در مورد زندگی و حرکت حسین (ع) بیشتر به بعد انقلابی شخصیت ایشان شیفته شده ام. آن حضرت در مرامنامه قیام خود اعلام می کند: انی لم اخرج اشرا ولا بطرا و لامفسدا و لا ظالما انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی؛ من از روی هوسرانی و خوشگذرانی و برای افساد و ستمگری قیام نکرده ام بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدم و برای امر به معروف و نهی از منکر و حرکت براساس سیره جد و پدرم است. این روح انقلابی می تواند کار معجزه آسا بکند اگر هر انسانی در هر زمان و مکان از آن برخوردار باشد و ما در سالهای پیروزی انقلاب و عزت و افتخارات اخیر در ایران شاهد بودیم مردم و رهبران این کشور براساس این فلسفه، حرکت خود را آغاز و با ظلم و استکبار مخالفت کردند و با تمام قدرت در برابر آن قیام نمودند. بعد دیگر شخصیت امام حسین (ع) که مرا شیفته خود کرده، تواضع ایشان در کنار روح انقلابی است این دو خصیصه نمی تواند در یک شخص جمع شود. تواضع از صفات و ویژگی های برگزیدگان خداست او در عین احساس عزت و آزادی و سرافرازی در برابر دشمنان، تواضع خاص خود را دارد. این بعد عظیمی است که از ویژگی امام به شمار می رود.

حماسه حسین (ع) تنها مختص شیعه و سنی و مسلمان نیست، بلکه متعلق به هر مؤمن است؛ چنان که در حدیث آمده إِنَّ لِقَاتِلِ الْحُسَيْنِ حَرَارَةً فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لَا تَبْرُدُ أَبَدًا. در این حدیث نگفته فی قلب المسلم. بلکه هر انسان آزاده ای که به راه و رسم حسین ایمان دارد را شامل می شود. از این رو، جهانیان و اندیشمندان وقتی از سیره حسین آگاه می شوند شیفته آن می گردند. همان طور که شیفته راه و مسلک علی بن ابی طالب (ع) شده اند.

وی، تشیع را بالاترین درجات عشق الهی معرفی می کند و امام حسین (ع) را فقط متعلق به شیعه یا مسلمانان نمی داند، بلکه متعلق به همه جهانیان می داند و او را با عبارت حسین گوهر ادیان معرفی می کند و در پایان، سخنش را با این عبارت به انتها می رساند که حسین (ع) در قلب من است. (18)

بنتُ الشَّاطِی (نویسنده مصري): زینب، خواهر حسین (ع) لَدَت پیروزی را در کام ابن زیاد و بنی امیّه تلخ کرد و در جام پیروزی آنان قطرات زهر ریخت، در همه حوادث سیاسی پس از عاشورا، همچون قیام مختار و عبدالله بن زبیر و سقوط دولت امویان و برپایی حکومت عباسیان و ریشه دواندن مذهب تشیّع، زینب، قهرمان کربلا نقش برانگیزنده داشت.

عبّاس محمود عبّاد (نویسنده و ادیب مصري) می نویسد: آثار کوبنده ای که قیام امام حسین (ع) به جای گذاشت و موجب نابودی طاغوتیان به دست آزادگان شد، بسیار است و حکومت ستمکار و گسترده امویان از نظر زمان و مکان، بر اثر قیام یک نفر، در یک روز به هم ریخت و نابود شد؛ زیرا شیعیان و آزادگان همواره خواهان هدف حسین بن علی (ع) بودند و آن را دنبال کردند و در نتیجه خسارت ضایعات حقیقی دشمنان در روز عاشورا و در کربلا زیادتیر از خسارت شکست ظاهری حسینیان بود. (19)

جنبش حسین (ع)، یکی از بی نظیرترین جنبشهای تاریخی است که تاکنون در زمینه دعوتهای دینی یا نهضت‌های سیاسی پدیدار گشته است ... دولت اموی پس از این جنبش، به قدر عمر یک انسان طبیعی دوام نکرد و از شهادت حسین (ع) تا انقراض آنان بیش از شصت و اندی سال نگذشت.

احمد محمود صُبّحي: اگر چه حسین بن علی (ع) در میدان نظامی یا سیاسی شکست خورد (به ظاهر)، اما تاریخ، هرگز شکستی را سراغ ندارد که مثل خون حسین (ع) به نفع شکست خوردگان تمام شده باشد. خون حسین (ع)، انقلاب پسر زبیر و خروج مختار و نهضت‌های دیگر را در پی داشت، تا آنجا که حکومت اموی ساقط شد و ندای خونخواهی حسین (ع)، فریادی شد که آن تخت‌ها و حکومت‌ها را به لرزه درآورد.

محمد زُغلول پاشا (در مصر، در تکیه ایرانیان): حسین (ع) در این کار به واجب دینی و سیاسی خود قیام کرده و این گونه مجالس عزاداری، روح شهادت را در مردم پرورش می دهد و مایه قوّت اراده آنها در راه حق و حقیقت می گردد.

عبدالرحمن شرقاوی (نویسنده مصري): حسین (ع)، شهید راه دین و آزادی است. نه تنها شیعه باید به نام حسین (ع) ببالد، بلکه تمام آزادمردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند.

طه حسین (دانشمند و ادیب مصري): حسین (ع) برای به دست آوردن فرصت و از سرگرفتن جهاد و دنبال کردن از جایی که پدرش رها کرده بود، در آتش شوق می سوخت. او زبان را درباره معاویه و عمّالش آزاد کرد، تا به حدّی که معاویه تهدیدش نمود. امام حسین (ع)، حزب خود را وادار کرد در طرفداری حق سختگیر باشند.

عبدالمجید جَوْدَةُ السَّحَّار (نویسنده مصري): حسین (ع) نمی توانست با یزید بیعت کند و به حکومت او تن بدهد، زیرا در آن صورت، بر فسق و فجور، صَحّه می گذاشت و ارکان ظلم و طغیان را محکم می کرد و بر فرمانروایی باطل تمکین می نمود. امام حسین (ع) به این کارها راضی نمی شد، گرچه اهل و عیالش به اسارت افتند و خود و یارانش کشته شوند.

علامه طنطاوی (دانشمند مصری): (داستان حسینی) عشق آزادگان را به فداکاری در راه خدا برمی انگیزد و استقبال مرگ را بهترین آرزوها به شمار می آورد، چنان که برای شتاب به قربانگاه، بر یکدیگر پیشی جویند.

العُبیدی (مفتی موصل): فاجعه کربلا در تاریخ بشر نادره ای است، همچنان که مسببین آن نیز نادره اند ... حسین بن علی (ع) سنت دفاع از حق مظلوم و مصالح عموم را بنا بر فرمان خداوند در قرآن به زبان پیامبر اکرم (ص) وظیفه خویش دید و از اقدام به آن تسامحی نورزید. تمام هستی اش را در آن قربانگاه بزرگ فدا کرد و به این سبب نزد پروردگار، سرور شهیدان محسوب می شود و در تاریخ ایام، پیشوای اصلاح طلبان به شمار رفت. آری، به آنچه خواسته بود و بلکه برتر از آن، کامیاب گردید.

ادوارد براون (مستشرق معروف انگلیسی): آیا قلبی پیدا می شود که وقتی درباره کربلا سخن می شنود، آغشته با حزن و آلم نگردد؟ حتی غیر مسلمانان نیز نمی توانند پاکی روحی را که در این جنگ اسلامی در تحت لوای آن انجام گرفت انکار کنند. (20)

مسیو ماریین آلمانی (خاورشناس) می گوید: در ظاهر یزید، حسین و انصارش را کشت، اما در باطن حسین (ع) یزید و همه بنی امیه را بدتر از هزار بار کشت. یزید آنها را یک روز به شهادت رساند، اما امام حسین (ع) او و طرفدارانش را تا ابد و هر روز کشت. (21)

همچنین می گوید: حسین (ع) با قربانی کردن عزیزترین افراد خود و با اثبات مظلومیت و حقانیت خود، به دنیا درس فداکاری و جانبازی آموخت و نام اسلام و اسلامیان را در تاریخ ثبت و در عالم بلندآوازه ساخت. این سرباز رشید عالم اسلام به مردم دنیا نشان داد که ظلم و بیداد و ستمگری پایدار نیست و بنای ستم هر چه ظاهراً عظیم و استوار باشد، در برابر حق و حقیقت چون پرکاهی بر باد خواهد رفت. (22)

می گوید: مهم ترین اثر این نهضت این بود که ریاست روحانی که در عوالم سیاست اهمیت شایانی داشت، مجدداً به دست بنی هاشم افتاد، و به ویژه در بازماندگان حسین (ع) مسلّم گردید، و چندی طول نکشید که (حکومت) ظلم و جور معاویه و جانشیان او منهدم شد و در کمتر از یک قرن قدرت از بنی امیه سلب گردید. منهدم شدن (قدرت) بنی امیه به قسمی شد که امروز نام و نشانی از آنها نمودار نیست و اگر در متن کتب تاریخی نامی از این قوم ذکر شده در تعقیب آن هزاران نفرین و ناسزا هم نوشته شده است، واین نیست مگر به واسطه قیام امام حسین (ع) و یاران با وفای او. (23)

چارلز دیکنز (نویسنده انگلیسی) می گوید: اگر منظور امام حسین (ع) جنگ در راه خواسته های دنیایی خود بود، من نمی فهمم چرا خواهران و کودکانش را همراه خود برد؟ پس عقل چنین حکم می کند که او به خاطر اسلام، فداکاری کرد. (24)

جستیس آ. راسل (شاعر انگلیسی): ... آنها دهان مبارک امام را با شلاق های خود نواختند. ای بدنی که زیر پای ستوران قرار گرفتی، این همان بدن پاکی است که بینندگان را مسحور می کرد. خونی که از رگهای مبارک ریخته و خشک شده معجونی آسمانی است که تاکنون هیچ چیزی با چنین رنگ الهی، رنگ نشده است. ای زمین برهنه و

بایر کربلا که در روی تو نه علفی است و نه چمنی، برای ابد آهنگ حزن و آه تو بر تو پوشیده باد، چون که در سرزمین تو بدن پاره مقدس پسر فاطمه (س) افتاده است که روح خویش را به خدا تقدیم نمود. (25)

موریس دوکبری (مورخ اروپایی): اگر تاریخ نویسان ما حقیقت روز عاشورا را درک می کردند، این عزاداری را غیر عادی نمی پنداشتند. پیروان امام حسین (ع) به واسطه عزاداری برای امام می دانند که زیونی و پستی و زبردستی و استعمار و استثمار را نباید قبول کنند؛ زیرا شعار امام و پیشوای آنان تن ندادن به ظلم و ستم بود. حسین در راه شرف و ناموس و مردم و بزرگی مقام و مرتبه اسلام از جان و مال و فرزند گذشت و زیر بار استعمار و ماجراجویی های یزید نرفت. پس بیائید ما نیز شیوه او را سرمشق خود قرار داده و از ظلم یزیدیان و بیگانگان خلاصی یافته و مرگ با عزت را بر زندگی با ذلت ترجیح دهیم؛ این است خلاصه تعالیم اسلامی... (26)

بارتولومو: وی به مسئله ای تازه در تاریخ اشاره می کند که از ارتباط ایرانیان با امام حسین (ع) حکایت دارد و آن این که نماینده امام حسین (ع) در پنج فرسخی کوفه در محلی به نام سلوجی برای ایرانیان به زبان فارسی سخنرانی و حکومت یزید را برای آنها افشا کرد: ... از روزی که یزید به جای پدر در دمشق نشست، فسق و فجور در دستگاه علنی شد،... درآمد بیت المال فقط صرف پرداخت مستمری کسانی گردید که می توانند وسایل فسق و فجور یزید را فراهم کنند. زنهای بیوه و یتیمانی که شوهر و پدرشان در جنگ کشته شده اند، در بلاد گدایی می کنند و هیچ کس به فکر تأمین زندگی آنها نیست. احترام خانواده نبوت رفته،... امام حسین (ع) مشاهده می نماید حکومت ظلم و فساد بزودی اسلام را از بین خواهد برد؛ ازاین رو تصمیم گرفت برای نجات اسلام از ظلم و ستم، اقدام کند. (27)

ویل دورانت: شیعیان در کربلا در جایی که امام حسین (ع) به قتل رسیده، به یادگار وی زیارتگاه بزرگی ساخته اند و هنوز هم هر ساله حادثه غم انگیز قتل وی را نمایش می دهند و عزاداری می کنند و از یادگار علی و دو فرزندش حسن و حسین (ع) تجلیل به عمل می آورند. (28)

توماس کارلایل (مورخ و فیلسوف انگلیسی): بهترین درسی که از سرگذشت کربلا می گیریم این است که امام حسین (ع) و یارانش ایمانی استوار به خدا داشتند. آنها با اعمال خویش ثابت کردند که در مقام مبارزه حق و باطل، تفوق عددی و کثرت عددی اهمیتی ندارد و پیروزی حسین (ع) با وجود اقلیتی که داشت، باعث شگفتی من است. (29)

ل. م. بوید: در طی قرون، افراد بشر همیشه جرأت و پردلی و عظمت روح، بزرگی قلب و شهامت روانی را دوست داشته اند و در همینهاست که آزادی و عدالت هرگز به نیروی ظلم و فساد تسلیم نمی شود. این بود شهامت و این بود عظمت امام حسین (ع)؛ من مسرورم که با کسانی که این فداکاری عظیم را از جان و دل ثنا می گویند شرکت کرده ام، هرچند که 1300 سال از تاریخ آن گذشته است. (30)

واشنگتن ایروینگ (مورخ مشهور آمریکایی): برای امام حسین (ع) ممکن بود که زندگی خود را با تسلیم شدن

اراده یزید نجات بخشد، ولی مسئولیت پیشوا و نهضت بخش اسلام اجازه نمی داد که او یزید را به عنوان خلافت بشناسد. او به زودی خود را برای قبول هر ناراحتی و فشاری به منظور رها ساختن اسلام از چنگال بنی امیه آماده ساخت. در زیر آفتاب سوزان سرزمین خشک و در ریگ های تفتیده، روح حسین (ع) فناپذیر است. ای پهلوان و ای نمونه شجاعت و ای شهسوار من، ای حسین (ع)! (31)

توماس ماساریک: گر چه کشیشان ما هم از ذکر مصائب مسیح مردم را متأثر می سازند، ولی آن شور و هیجانی که در پیروان حسین (ع) یافت می شود در پیروان مسیح یافت نخواهد شد و گویا سبب این باشد که مصائب مسیح در برابر مصائب حسین (ع) مانند پرکاهی است در مقابل یک کوه عظیم پیکر. (32)

گیبون (مورخ انگلیسی): در طی قرون آینده بشریت و در سرزمینهای مختلف، شرح صحنه حزن آور مرگ امام حسین موجب بیداری قلب خونسردترین خواننده خواهد شد. چندان که یک نوع عطوفت و مهربانی نسبت به آن حضرت در خود می یابد.

نیکلسون (خاورشناس معروف): بنی امیه، سرکش و مستبد بودند، قوانین اسلامی را نادیده انگاشتند و مسلمانان را خوار نمودند ... و چون تاریخ را بررسی کنیم، گوید: دین بر ضد فرمانفرمایی تشریفاتی قیام کرد و حکومت دینی در مقابل امپراطوری ایستادگی نمود. بنابراین، تاریخ از روی انصاف حکم می کند که خون حسین (ع) به گردن بنی امیه است.

سرپرسی سایکس (خاورشناس انگلیسی): حقیقتاً آن شجاعت و دلاوری که این عده قلیل از خود بروز دادند، به درجه ای بوده است که در تمام این قرون متمادی هر کسی که آن را شنید، بی اختیار زبان به تحسین و آفرین گشود. این یک مشت مردم دلیر غیرتمند، مانند مدافعان ترموپیل، نامی بلند غیرقابل زوال برای خود تا ابد باقی گذاشتند.

مهاتما گاندی (رهبر استقلال هند): من زندگی امام حسین (ع)، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خواندم و توجه کافی به صفحات کربلا نموده ام و بر من روشن است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، باید از سرمشق امام حسین (ع) پیروی کند. (33)

تاملاس توندون (هندو، رئیس سابق کنگره ملی هندوستان): این فداکاری های عالی از قبیل شهادت امام حسین (ع) سطح فکر بشریت را ارتقا بخشیده است و خاطره آن شایسته است همیشه باقی بماند.

محمد علی جناح (رهبر بزرگ پاکستان): هیچ نمونه ای از شجاعت، بهتر از آن که امام حسین (ع) از لحاظ فداکاری و تهوّر نشان داد در عالم پیدا نمی شود. به عقیده من تمام مسلمانان باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد پیروی نمایند. (34)

لیاقت علی خان (نخستین نخست وزیر پاکستان): این روز محرم، برای مسلمانان سراسر جهان معنی بزرگی دارد. در این روز، یکی از حزن آورترین و تراژدیک ترین وقایع اسلام اتفاق افتاد، شهادت حضرت امام حسین (ع) در عین حزن، نشانه فتح نهایی روح واقعی اسلامی بود؛ زیرا تسلیم کامل به اراده الهی به شمار می رفت. این درس به ما می آموزد که مشکلات و خطرهای هر چه باشد، نباید ما از آن پروا کنیم و از حق و عدالت منحرف شویم. (35)

پی نوشت ها :

1. شرح ابن ابی الحدید، ج3، ص 249
2. کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری، به تصحیح احمد سروش، صص 74 و 75
3. کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری، به تصحیح احمد سروش، صص 74 و 75
4. کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری، به تصحیح احمد سروش، صص 74 و 75
5. نامه دانشوران ناصری، ج 9، ص 298؛ مرآة العقول، ج8، ص 496؛ بصائر، ش 7، ص 25
6. تاریخ طبری، ج 3، ص 334
7. تاریخ طبری، ج 3، ص 339؛ البدایة و النهایة، ج 8، ص 181
8. شهبسوار کربلا، ص 17
9. البدایة و النهایة، ج 2، ص 36؛ الارشاد، ج 2، ص 127
10. تاریخ طبری، ج 3، ص 346
11. تفسیر المنار، ج 1، ص 367
12. سرور شهیدان امام حسین (ع)، شهداد محمد، ص 44 و 45؛ شرح فقه اکبر، ص 87
13. خطبه نماز جمعه شهرستان زاهدان، محرم الحرام 1406 هـ (با اندکی تغییرات ویرایشی)
14. صوت العدالة الاسلامیه، شماره 4، ص 76
15. سلیمان کتانی، امام علی مشعلی و دژ، ترجمه جلال الدین فارسی، ص 236
16. مجله نور دانش، شماره 3، سال 1341 ش
17. آنتوان بارا سوری الاصل و ساکن کویت، نویسنده ای توانا و ادیبی با ذوق است و علاوه بر کتاب فوق 15 جلد کتاب دیگر نیز به رشته تحریر درآورده که بیشتر آنها در حوزه ادبیات و رمان و داستان می باشد وی همچنین روزنامه نگاری حرفه ای است که اخیراً چهل و یکمین سال فعالیت مطبوعاتی اش را آغاز کرده، او در مجلات و روزنامه های معروف و مختلف فعالیت داشته و در حال حاضر سردبیر هفته نامه شبکه الحوادث کویت است
18. روزنامه کیهان، 4/11/1385
19. ابوالشهدا، ص 181
20. مجله نور دانش، شماره 3، سال 1341 ش
21. امام حسین آفتاب تابان ولایت، ص 218
22. درسی که حسین به انسانها آموخت، ص 439
23. درسی که حسین به انسانها آموخت، شهید هاشمی نژاد، ص 445
24. رجبعلی مظلومی، رهبر آزادگان، ص 52

25. همان، ص 53
26. مقتل ابی مخنف، ترجمه حجت الله جودکی، ص 74 75
27. کورت فریشلر، امام حسین (ع) و ایرانیان، ترجمه ذبیح الله منصوری، ص 11 و 12
28. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ج 4، ص 249
29. مجله نور دانش، سال دوم، ش 3، ص 96
30. مجله نور دانش، شماره 3، سال 1341 ش
31. مجله نور دانش، شماره 3، سال 1341 ش
32. قیام حسین و یارانش، ص 20
33. فرهنگ عاشورا، ص 279
34. حسین بن علی را بهتر بشناسیم، ص 223
35. مجله نور دانش، شماره 3، سال 1341 ش